

بُهلول عاقل

مجموعه
حکایات شیرین و آموزنده

تألیف
رضامعصومی

سرشناسه : معصومی، رضا، ۱۳۱۸ -
 عنوان و نام پدیدآور : بهلول عاقل: مجموعه حکایات شیرین و آموزنده / تألیف رضا معصومی
 مشخصات نشر : تهران: انتشارات گلی، ۱۳۹۰.
 مشخصات ظاهری : ۲۴۰ ص:؛ ۱۱×۱۷ س.م.
 شابک : 978-964-7715-62-1
 وضعیت فهرست نویسی : فیبا
 یادداشت : چاپ قبلی: گلی: ۱۳۶۸ (۲۳۸ ص).
 عنوان دیگر : مجموعه حکایات شیرین و آموزنده.
 موضوع : بهلول مجنون، بهلول بن عمرو، - ۱۹۰ ق -- لطیفه‌ها
 رده‌بندی کنگره : PN ۶۲۲۲/ع ۹۳۳ ۱۳۸۹
 رده‌بندی دیویی : ۸۹۲/۷۷
 شماره کتابشناسی ملی : ۵۴۳۶۳۲۲



انتشارات گلی

تهران - خیابان ۱۵ خرداد - بازار نوروزخان - کوچه مسجد جامع
 پاساژ فرنو - پلاک ۸۰
 تلفن: ۵۵۶۰۳۱۵۸-۵۵۶۳۰۲۴۰

نام کتاب : بهلول عاقل
 تألیف : رضا معصومی
 تیراژ : ۵۰۰۰ جلد
 نوبت چاپ : اول - ۱۳۹۰
 حروفچینی : ظریفیان
 لیتوگرافی : مقدم
 چاپخانه : امین
 قیمت : ۲۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۷۷۱۵-۶۲-۱ ISBN: 978-964-7715-62-1

حق چاپ محفوظ و متعلق به انتشارات گلی می باشد.

فهرست مطالب

۱۷	بهلول و طعام خلیفه
۱۸	نشستن بهلول در مسند هارون
۱۹	بهلول و تاجر
۲۰	بهلول با دوست خود
۲۱	بهلول و چهارپایان
۲۲	بهلول و تخم مرغ روز
۲۲	بهلول و طیب دربار هارون
۲۴	پند دادن بهلول هارون را
۲۵	مباحثه بهلول با مرد فقیه
۳۰	بهلول و غلامی که از طوفان دریا می ترسید
۳۱	بهلول و هارون
۳۴	سؤال هارون از بهلول
۳۶	پند خواستن هارون از بهلول
۳۹	پند دادن بهلول فضل ابن ربیع را
۴۳	مسجد ساختن فضل بن ربیع
۴۵	بهلول و دزد

- سؤال ہارون از بہلول ۴۶
- ہدیۂ خلیفہ بہ بہلول ۴۸
- بہلول و ہارون ۴۹
- بہلول و دزد ۵۰
- بہلول و امیر کوفہ ۵۳
- بہلول و وزیر ۵۴
- سؤال ہارون از بہلول درباره حضرت علی علیہ السلام ۵۵
- قضاوت بہلول در محضر قاضی ۶۰
- بہشت فروختن بہلول ۶۴
- غضب نمودن ہارون و بخشیدن بہلول را ۶۶
- بہلول و خرقہ و نان جو و سرکہ ۶۹
- تدبیر نمودن بہلول ۷۱
- ہارون و مرد شیاد ۷۳
- ہارون و صیاد ۷۷
- سؤال ہارون درباره امین و مأمون (فرزندان ہارون) ۸۰
- مصاحبہ بہلول و ابوحنیفہ ۸۴
- سؤال و جواب ہارون و بہلول ۸۷
- جایزہی ہارون بہ بہلول ۸۹
- تأثیر دعای بہلول ۹۰
- پند دادن بہلول بہ عبداللہ مبارک ۹۱

۹۸	 ملاقات بهلول و شیخ جُنید
۱۰۵	 حَمّام رفتن بهلول و هارون
۱۰۵	 بهلول و قاضی
۱۰۸	 سؤال هارون از بهلول دربارهٔ شراب
۱۱۰	 تعلیم بهلول به یکی از دوستان
۱۱۳	 بهلول و مُنَجّم
۱۱۴	 بهلول و مرد شتاد
۱۱۵	 سؤال بهلول دربارهٔ حضرت لوط
۱۱۶	 سؤال از بهلول، دربارهٔ شیطان
۱۱۶	 بهلول و مستخدم
۱۱۷	 به شکار رفتن بهلول و هارون
۱۱۸	 بهلول و صاحب حساب
۱۱۹	 بهلول و کتاب فلسفه
۱۲۰	 بهلول و داروغه
۱۲۱	 قضاوت بهلول
۱۲۳	 بهلول و جهانگرد
۱۲۷	 قضاوت بهلول و جواب دندان شکن او
۱۳۳	 حَمّام رفتن بهلول
۱۳۴	 بهلول و داروغه
۱۳۵	 انتخاب بهلول به جهت قضاوت

۱۳۷	احوالپرسی حاکم از بهلول
۱۳۹	آمدن بهلول از قبرستان و سؤال از او
۱۳۹	گفتگوی هارون و بهلول درباره آخرت
۱۴۲	مصاحبه هارون و بهلول
۱۴۳	بهلول و شاعر
۱۴۴	بهلول و دعای باران
۱۴۵	گفتگوی بهلول با مرد عرب
۱۴۶	بهلول و سر تراشی
۱۴۶	گفتگوی دیگر بهلول با مرد عرب
۱۴۷	بهلول و قاضی
۱۴۸	شوخی با بهلول
۱۴۹	بهلول و خلیفه مأمون الرشید
۱۵۰	بهلول و فضول باشی
۱۵۱	راهنمایی کردن بهلول
۱۵۱	بهلول و گردن شکسته
۱۵۲	بهلول در سر سفره
۱۵۳	بهلول و خلیفه و بلای طاعون
۱۵۳	بهلول و خوشمزه گیهایش
۱۵۴	بهلول و سرکه
۱۵۴	بهلول و تکبر خلیفه

داستان اسب سیاه بهلول	۱۵۵
بهلول و دوست شکارچی	۱۵۶
بهلول و زن زشت‌رو	۱۵۶
بهلول و غذای خلیفه	۱۵۷
بهلول و فروش الاغش	۱۵۷
بهلول و چاقو	۱۵۸
بهلول و موبک خلیفه	۱۵۹
مشورت با بهلول	۱۵۹
بهلول و مرد ثروتمند و آئینه	۱۶۰
بهلول با خود حرف می‌زند	۱۶۱
بهلول و شاعر آینده	۱۶۱
دعای بهلول در حمام	۱۶۲
طبابت بهلول	۱۶۴
نصیحت بهلول	۱۶۴
بهلول و شباهت به دیگری	۱۶۵
تعبیر خواب بهلول	۱۶۶
بهلول میانجیگری می‌کند	۱۶۶
بهلول و داستان سریش مالی	۱۶۷
بهلول و اشعار مسروقه	۱۶۸
عقلم می‌رسد، زورم نمی‌رسد	۱۶۹

- ۱۶۹ عیادت مریض
- ۱۷۰ بهلول و مرد دروغگو.
- ۱۷۰ بهلول و فضولباشی.
- ۱۷۱ گفتگوی بهلول و حکیمباشی.
- ۱۷۲ بهلول و سایه‌اش
- ۱۷۲ بهلول و تشییع‌کنندگان جنازه
- ۱۷۳ بهلول و قرض گرفتن
- ۱۷۳ بهلول و پیاده‌روی.
- ۱۷۴ بهلول را به جرم دزدی می‌گیرند
- ۱۷۴ به میهمانی رفتن بهلول.
- ۱۷۶ بهلول و مرد فقیر
- ۱۷۶ بهلول زن خود را طلاق می‌دهد
- ۱۷۷ بهلول و میخ‌کوبی بر دیوار
- ۱۷۸ بهلول و نزول بلا
- ۱۷۹ بهلول و حکیمباشی
- ۱۷۹ مأموریت بهلول
- ۱۸۰ تحویل گرفتن و رسید دادن
- ۱۸۱ از تو نپرسیدم، از قاطر پرسیدم
- ۱۸۱ بهلول و جنازهٔ تاجر ثروتمند
- ۱۸۲ بهلول و آوازه‌خوان بد صدا

۱۸۳	احمق‌تر از خود کسی را دیده‌ای؟
۱۸۳	بهلول و آدم کامل
۱۸۴	ماجرای مرد روستایی با بهلول
۱۸۴	بهلول و داروغه شهر
۱۸۵	بهلول زبان آدم را می‌فهمد
۱۸۶	بهلول و اصلاح سر
۱۸۶	بهلول و گفتگو با الاغها
۱۸۷	بهلول و علت مرگ ناگهانی
۱۸۷	بهلول و شخص پدر مرده
۱۸۹	بهلول و شخص احمق
۱۹۰	بهلول چوپان می‌شود
۱۹۱	بهلول دیوانه مردم را جمع می‌کند
۱۹۱	روشنایی روز و تاریکی شب
۱۹۲	بهلول و حاکم احمق
۱۹۴	بزرگترین جانورهای دریا و زمین
۱۹۴	دعای بهلول در حق معلم
۱۹۵	بهلول و صدای عرعر الاغ
۱۹۶	بهلول و خواب
۱۹۶	بهلول و پیراهن دزدی
۱۹۷	بهلول مریض می‌شود

- بهلول و بهشت ۱۹۸
- خواب سنگین و عقل سبک ۱۹۹
- بهلول و خواب هارون الرشید ۱۹۹
- بهلول بر بالین مریض ۱۹۹
- بهلول و عمارت سازی ۲۰۰
- بهلول و الاغ گمشده ۲۰۱
- بهلول و مرد احمق ۲۰۱
- بهلول و دکان میوه فروشی ۲۰۳
- بهلول و مرغ و خروس ۲۰۴
- بهلول در قصر هارون الرشید ۲۰۵
- اعتراف به دیوانگی ۲۰۵
- چاره سازی بهلول ۲۰۶
- بهلول، زن نجیب و وفادار ۲۰۷
- بهلول و آدم خوب ۲۰۸
- صاحب اصلی موشها و کلاغها هستند ۲۰۹
- احمق ها زیاد هستند ۲۱۰
- حقیقت تلخ است ۲۱۰
- شکست و پیروزی ۲۱۱
- بهلول راهنمایی می کند ۲۱۲
- بهلول وحشت می کند ۲۱۲

۲۱۳	سؤال غلط و جواب درست
۲۱۳	بهلول و مرد احمق
۲۱۴	عادل بودن خلیفه
۲۱۵	بهلول و احمق لنگ
۲۱۶	بهلول و دارالمجانین
۲۱۷	بهلول و خواب سبک
۲۱۷	خشک سالی و جواب بهلول
۲۱۸	کار انسانی یا حیوانی
۲۱۹	بهلول و پرندۀ خوش نواز
۲۲۰	نردبان دوطرفه
۲۲۱	بهلول و شخص مغرور
۲۲۱	متن کتاب و حاشیۀ آن
۲۲۲	بهلول و مرد بداخلاق
۲۲۲	داستان بهلول و برادر ناشناس
۲۲۳	بهلول و مرد طماع
۲۲۴	بهلول و دستور او
۲۲۴	سگ زبان عربی نمی داند
۲۲۵	بهلول و قصر خلیفه
۲۲۵	بهلول و مدعی پیغمبری
۲۲۶	از بهلول دیوانه تر

۲۲۷	بهلول: زن پیر و جوان
۲۲۸	لباسشویی بهلول
۲۲۹	گفتگوی بهلول با خلیفه
۲۲۹	داستان کفن بهلول
۲۳۰	بهلول و خریزه
۲۳۱	بهلول و قفل سازی
۲۳۲	بهلول و غلام
۲۳۲	بهلول و جنازه
۲۳۳	حکایت بهلول و زرش
۲۳۳	بهلول و زن بد قدم
۲۳۴	بهلول و عزای همسایه اش
۲۳۴	بیلاق و قشلاق بهلول
۲۳۵	ارث از نظر بهلول
۲۳۵	فاصله عقل و بی عقلی
۲۳۶	بهلول و قلم قاضی
۲۳۷	بهلول و خریّت وزیر
۲۳۷	نمازت را بخوان
۲۳۸	حاضر جوابی
۲۳۹	شوخی بهلول با وزیر
۲۳۹	بهلول و دلّال بهشت



و هب بن عمرو که به «بهلول» مشهور گشته، از عالمان و عاقلان
زمان خود بوده است.

بهلول در کوفه متولد شد و سالیان متمادی در خدمت حضرت
امام جعفر صادق علیه السلام به کسب علم و فضیلت مشغول بود.

بهلول ارادتی کامل به خاندان اهل بیت و عصمت و
طهارت علیهم السلام داشت، همچنین به حضرت امام صادق علیه السلام عشق
می ورزید که همین مطلب باعث کینه و حسد هارون الرشید خلیفه

عباسی شد و در خطر جانی قرار گرفت.

هارون الرشید خلیفه بغداد برای حفظ جان و تاج و تختش از امام صادق علیه السلام بیمناک بود و همیشه اوقات در صدد آزار آن حضرت و همچنین مریدان و شاگردان آن جناب برمی آمد.

بهلول که بنا به روایاتی از بستگان نزدیک هارون الرشید خلیفه عباسی بود، در این زمان به صورت (مجنون) در جامعه ظاهر گشته و به دیوانگی تظاهر می کرد.

بهلول قبل از اینکه خود را به دیوانگی بزند، از زندگی کاملاً خوبی برخوردار بود و مشهور است که به دستور امام و معلم خود حضرت امام صادق علیه السلام خود را به جنون زده است و از آن پس با لباسی کهنه و ظاهری ژولیده در انظار دیده می شد.

بهلول پس از اینکه تغییر حالت داد، زندگی اشرافی را کنار گذاشته و در کلبه خرابه ای مسکن کرد و تمام مظاهر تجمل را به کنار زد و بصورت بسیار ساده زندگی جدیدی را آغاز کرد.

این دیوانه هزار بار عاقل همه روز در کوچه های بغداد سوار بر (نی) شده و تازیانه ای در دست داشت که به نی می زد، و کودکان

بدنبال او راه افتاده و مسخره‌اش می‌کردند.

معروف است که چون هارون الرشید خواست حضرت امام جعفر صادق علیه السلام را به شهادت برساند تا بدینوسیله بتواند بدون هیچ اشکالی به خلافت نکبت‌بار خود ادامه دهد، دستور داد تا از بعضی علمای زمان و متقیان دوران به بهانه آنکه حضرت صادق علیه السلام داعیه خروج بر خلیفه مسلمین را دارد فتوی بگیرند تا بدینوسیله هارون به مقصد کثیف خود برسد.

یکی از مشاهیر علما و فضلاء آن زمان بهلول بود که قرار شد از او هم در این مورد فتوی بگیرند و در همین زمان بود که بهلول شتابان خدمت امام و رهبرش رسید و قضایا را نقل کرد. بعد از این زمان است که بهلول به دستور حضرتش به (جنون) زده و دیوانه‌وار در محافل و مجامع ظاهر می‌شد. و بدین وسیله توانست که هم خود را از دست هارون خلیفه عباسی نجات دهد و هم هر آنچه دل تنگش بخواهد و به هر کس که باشد بی‌پروا بگوید.

بهلول با (مشق جنون) مشغول به ارشاد شخص هارون و درباریان او و تمامی خلق خدا که با او برخورد داشتند شده و چون

مشهور به دیوانگی بود، هیچ مانعی در سر راه او قرار نگرفت و هیچ کس مزاحم او نگشت.

حکایات و امثالی که از بهلول در کتابهای تاریخ نقل گردیده تماماً در زمینه اخلاق و ارشاد اسلامی و تربیت نوع بشر است که بصورت داستانهای شیرین از زمان بهلول تا امروز دست به دست می‌چرخد و چون مدّتی است که کتابی جامع از حکایات شیرین بهلول در دست نبود، بدین جهت کتابی را که در دست دارید شامل حکایات شیرین و خواندنی این اعجوبه تاریخ اسلامی است.

حاضر جوابی بهلول، حیرت‌انگیز است و همین مسئله نمایشگر علم، درک و شعور اوست.

در خاتمه امیدواریم خوانندگان به معانی ظاهری داستانها زیاد توجه نکرده بلکه به معنویات داستانها توجه داشته باشند بدین امید که از این راه توشه‌ای برای دنیا و آخرتشان ذخیره کنند. ان شاء الله

رضا معصومی